

مطالعه‌ی تطبیقی علی‌نامه و شاهنامه

حسن حیدری*

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، اراک

الهام فرمهینی فراهانی**

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، اراک

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۳/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۹/۱۸)

چکیده

منظومه علی‌نامه هم‌اکنون نخستین حماسه مذهبی محسوب می‌شود که به زبان فارسی سروده شده. هر چند مبنای علی‌نامه بر نقل وقایع از منابع تاریخی است، اما سراینده به‌گزینش رویدادها پرداخته و از آمیختن واقعیت و خیال و با الگوبرداری از شاهنامه دو جنگ جمل و صفین را در قالب قصه منظوم و در ۱۲ مجلس پرداخته است. این الگوبرداری هم در زبان حماسی و هم در صور خیال است، اما گاه در همان الگوها تغییراتی ایجاد کرده و آن‌ها را مناسب فضای حماسه مذهبی کرده است. از جمله شباهت‌های ساختاری دو حماسه، می‌توان به اعتقاد به تقدیر و سرنوشت در وقوع رویدادها، پیکرگردانی، آرایش لشکر و شیوه‌های نبرد اشاره کرد. از جمله‌ی تفاوت‌ها نیز می‌توان به موارد زیر را نام برد: تغییر نقش‌ها، تغییر پیش‌بینی و پیش‌گویی حوادث به کرامت و تغییر شخص پیش‌گوینده از منجم و خواب‌گزار به امام یا قهرمان حماسه، تغییر نقش دیو به ابلیس، تغییر نوع اغراق‌ها، تغییر میزان بی‌طرفی شاعر در حماسه ملی و تمایل به جانبداری در حماسه دینی. علی‌نامه همانند شاهنامه ترکیبی از قصه، حماسه و تاریخ است.

کلیدواژه‌ها: علی‌نامه، نوع شناسی، حماسه دینی، شاهنامه.

*. E-mail: h-haidary@araku.ac.ir

** E-mail: E_ffarahani@yahoo.com

مقدمه

دلایل گرایش شیعیان به سرودن حماسه‌های مذهبی

فعالیت‌های شیعه را باید به دو دوره قبل و بعد از صفویه تقسیم کرد. تا قبل از دوره‌ی صفویه، شیعه قدرت مرکزی تام و تمام نداشته است، بلکه عمدتاً شهرها و محله‌های شیعه‌نشین در ایران و عراق وجود داشته‌اند. بدین لحاظ شیعیان در عصر غیبت با تلاش‌های نظامی و فرهنگی در صدد اثبات هویت خود بوده و به تعبیری برای «گشودن پر و بال و بیرون آمدن از گمنامی...» (رک: صفا، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۹۷) همت گماشته‌اند. فقط در قرن سوم در ایران بیش از ۱۰۹ قیام به رهبری علویان صورت گرفته است (رک: متز، ۱۳۶۴، ج ۱: ص ۷۹). تلاش‌های فرهنگی نیز عمدتاً از طریق نظام مرجعیت، نیابت، نقابت و سفارت (رک: معارف، ۱۳۸۷: ۷۴-۵۳) انجام گرفته است. بخشی از فعالیت‌های فرهنگی به منظور بزرگداشت ائمه هدی و ذکر مناقب و مصائب آنان بوده که به ویژه از دوره آل بویه (۳۳۴ - ۴۴۷) رسمیت یافته‌اند.

منظومه علی‌نامه یکی از نتایج این کوشش‌ها است. چنان که یکی از علل پیدایش انواع حماسه را مراثی و مدایح دانسته‌اند (رک: خالقی، ۱۳۸۶: ۱۳). می‌توان این گونه مراسم آیینی را که بیشتر به وسیله گروه‌هایی از شیعه به نام «مناقیبیان» اجرا می‌شده، از ریشه‌های اولیه شکل‌گیری حماسه‌سرایی در بین شیعیان دانست که در مراحل بعدی از اجرای شفاهی و گفتاری به حماسه‌های نوشتاری تکامل یافته است.

شخصیت امام و محبوبیت ایشان در بین شیعیان نیز در شکل‌گیری علی‌نامه‌ها نقش دارد. شخصیت امام به عنوان «یک اسطوره ادبی در مفصل تاریخی و فرهنگی خاص قرار می‌گیرد» (یاحقی، ۱۳۸۳: ۱۲۸) و این مفصل نیرومند می‌تواند: «ایران و اسلام را با هم در پیوندی دیرینه و تاریخی نگه دارد و مفهوم ایران اسلامی را استواری و استحکام بخشد» (همان: ۱۲۶). دید برخی از مستشرقان نیز موید این موضوع است: «مقام شامخ امام علی (ع) و سایر ائمه هدی جزو لاینفک اعتقادی شیعه از آغاز این مذهب است. عقاید شیعه دوازده امامی از همان آغاز سرزمین اسلام ریشه دوانیده و به زودی با روح ایرانیّت پیوند و اتحاد یافته است» (اشیولر، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۲۳). این ویژگی آن قدر اهمیت دارد که برخی آن را یکی از وجوه شیعه شمرده‌اند: «می‌توان گفت که قدر جامع همه فرق شیعه اعتقاد به برتری علی (ع) و وجود معنویت خاصی در ائمه و نیز مسأله مهدویت است» (کامل الشیبی، ۱۳۵۹:

۵۴۹). چنین است که از آغاز رواج شعر فارسی و قبل از سرایش شاهنامه، تیغ حیدر مشهور بوده است:

چنان کز چشم او ترسم، نترسید

جهود خیبری از تیغ حیدر

(دقیقی، ۱۳۸۳: بیت ۱۱۱۴)

در متون ادبی دوره‌های بعد، نام امام در کنار شخصیت اسطوره‌ای رستم و مساله این همانی مطرح می‌گردد: «نام حضرت علی حتی در جامعه شیعی ایران نه تنها به جای رستم ننشست، بلکه در اغلب موارد با او این همانی مشترکی پیدا کرد که می‌توانست بخش نیرومند تمایلات مذهبی جامعه را نیز با خود همراه سازد...» (یاحقی، ۱۳۸۷: ۱۳۱).

هم‌چنین توفیق شاهنامه و نفوذ آن در بین طبقات مختلف، عامل مهمی بود که مولفان شیعه را بر آن داشت تا مدح و مرثیه بزرگان مذهب خود را از جمله در قالب حماسه به نظم در آورند. هر چه به دوره اخیر نزدیک‌تر می‌شویم گرایش شیعه از حماسه‌ی ملی به حماسه‌ی تاریخی و دینی بیشتر می‌شود، چرا که پرداختن به داستان‌های حماسه‌ی ملی در دوره‌هایی با موانع فرهنگی مواجه بوده است: «اهل سنت با اعمال مناقبیان مخالف بودند و ناقلین قصص را به بیان داستان‌های رستم و سرخاب و اسفندیار و جز آن وامی‌داشته‌اند، شیعه این کار را احیاء سنت گبرکان می‌دانستند و در دین مکروه می‌شمردند... پس پیداست که از چه روی بعد از غلبه شیعه نظم داستان‌های ملی یکباره متروک ماند و جای آن را حماسه‌های تاریخی و دینی گرفت» (صفا، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۶۳).

باری، انتشار منظومه علی‌نامه روزنه‌ای تازه بر حوزه حماسه‌پژوهی گشوده و دستمایه‌ی تازه‌ای در اختیار اهل تحقیق نهاده است. این منظومه از دو جهت بیشتر اهمیت دارد؛ یکی آن که هم اکنون نخستین حماسه مذهبی موجود در ایران شمرده شده و از جهت مباحث تاریخ ادبیات تازه است. تا کنون خاوران‌نامه ابن‌حسام (۸۳۰ هجری) اولین حماسه‌ی دینی شیعه قلمداد می‌شده، اما انتشار علی‌نامه (هجری ۴۸۲) حدود ۴۰۰ سال بر سابقه حماسه‌سرایی شیعی افزوده است. دوم آن که زمان سرایش آن به زمان سرایش شاهنامه نزدیک است و از اولین آثاری است که به تقلید از آن سروده شده، این امر بیانگر سرعت نفوذ شاهنامه از سویی و گسترش دامنه حماسه‌سرایی از زمینه ملی به زمینه مذهبی از سوی دیگر است.

اگر چه متن علی‌نامه به صورت کنونی با شکل ایده‌آل خود از حیث نقد متن^۱ فاصله‌ی زیادی دارد و هر گونه پژوهش در آن باید با احتیاط انجام شود و از طرفی برخی از اهل تحقیق استخراج ویژگی‌های مشترک نوع حماسه را صرف نظر از ملیت خاص غیر ممکن

یافته‌اند (رک: زرین کوب، ۱۳۸۳: ۵۵)، اما به هر حال می‌توان بر اساس این منظومه و سایر حماسه‌های دینی منتشرشده نظیر حمله حیدری و خاوران نامه به برخی از ویژگی‌های خاص حماسه شیعی دست یافت، کاری که تا کنون به شکل منسجم و مجزا صورت نگرفته است.

در این جستار اطلاعات با روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری و سپس با توصیف و تحلیل آن‌ها سعی شده است نخست منظومه علی‌نامه به لحاظ نوع شناسی بررسی شود و سپس به شناخت منابع آن تا رسیدن به مرحله یک قصه حماسی پرداخته شود و آنگاه برخی از ویژگی‌های ساختاری آن بر مبنای شاهنامه استخراج شود.

پیشینه تحقیق

نخستین مقاله تحقیقی در باب علی‌نامه را استاد شفیعی کدکنی نوشته‌اند (رک: شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۴۹۴) و در آن به معرفی نسخه و سراینده اثر پرداخته‌اند و پس از ذکر برخی ویژگی‌های زبانی، واژه‌نامه مختصری نیز برای آن ترتیب داده‌اند. نیز مقاله‌ای در باب صور خیال علی‌نامه منتشر شده است (رک: طغیانی و دیگران، ۱۳۸۵). اما تا کنون شباهت‌ها و اختلافات این اثر با شاهنامه جداگانه بررسی نشده است.

۱- نوع شناسی علی‌نامه

در تعریف و نام‌گذاری انواع حماسه‌ها، آثاری را که مشتمل بر شرح دلوری‌ها و اعمال رزمی و پهلوانی یک شخصیت دینی باشد «حماسه دینی» نامیده‌اند. متونی مانند یادگار زریران و زراثشت‌نامه مربوط به دوره قبل از اسلام هستند. در دوره اسلامی حماسه‌های دینی بیشتر نتیجه طبع سراینده‌گان شیعی مذهب است. بنابراین بهتر است آن‌ها را حماسه مذهبی بنامیم.

تاکنون در باب نوع‌شناسی حماسه مذهبی در قیاس با حماسه ملی بحث چندانی نشده است. حماسه را یا بر حسب موضوع به حماسه اساطیری، پهلوانی، تاریخی، دینی و عرفانی تقسیم کرده‌اند یا بر حسب نحوه پیدایش و قدمت، آن‌ها را به حماسه طبیعی (سنتی، اصیل، ابتدایی) و مصنوع (تقلیدی، ثانوی، متأخر) نام‌گذاری کرده‌اند (رک: صفا، ۱۳۶۳: ۵-۷؛ مختاری، ۱۳۶۸: ۲۶؛ شمیسا، ۱۳۷۴: ۵۳-۵۲). حماسه‌های دینی (مذهبی) از فروع حماسه‌های تاریخی هستند و از نظر نحوه پیدایش مصنوع و تقلیدی به شمار می‌روند. در

حماسه دینی قهرمان حماسه یک شخص تاریخی است، اما شخصیت و کارکرد دینی او بیشتر اهمیت دارد:

«ممکن است موضوع حماسه تاریخی، زندگی یک یا چند تن از قهرمانان دینی باشد که با توجه به حقایق تاریخی یا با آمیزش وقایع تاریخی و مطالب داستانی به وجود آمده باشد. این منظومه‌ها که بر اثر استادی و هم‌چنین اعتقاد شدید دینی گویندگان آن‌ها ممکن است گاه بسیار دل‌انگیز و زیبا باشد نیز اغلب دارای بسیاری از خصایص منظومه‌های حماسی است و از این جهت باید در شمار آثار حماسی ملل نام برده شوند ...» (صفا، ۱۳۶۳: ۷).

در تعریف دیگری از حماسه دینی یک ویژگی ساختاری به تعریف قبلی اضافه شده است: «قهرمان آن‌ها از بزرگان دین هستند و ساخت داستان حماسی بر مبنای اصول یکی از ادیان است...» (اسماعیل پور، ۱۳۷۷: ۳۴).

قید «اصول یکی از ادیان» را نباید به معنی نفی اصول دینی از حماسه‌ی غیردینی دانست. این قید به تمیز نوع حماسه‌ی مذهبی از حماسه‌ی ملی کمک می‌کند.

حماسه‌ی مصنوع به تاریخی و غیر تاریخی تقسیم شده است و اساس این گونه حماسه‌ها «... یا بر تقلید و گرت‌برداری از نمونه‌های کهن حماسه‌های ملی و تبعیت از قوانین حاکم بر آن‌هاست ... یا صرفاً مضمون و گرایشی حماسی بر شکل یا موضوع آن‌ها حاکم است...» (مختاری، ۱۳۶۸: ۲۷). با این تقسیم‌بندی منظومه «حملة حیدری» را به عنوان نمونه در دسته‌ی دوم قرار داده‌اند، یعنی از نوع منظومه‌ها یا نوشته‌هایی ادبی است که: «به اقتضای خاصی به نوعی از پرداخت حماسی گراییده است ...» (همانجا). درست است که منظومه علی‌نامه هم به لحاظ موضوع به منظومه حمله حیدری شباهت دارد، اما بهتر است آن را در دسته اول این تقسیم‌بندی قرار بدهیم، چرا که علی‌نامه از اولین نوع منظومه‌هایی است که بر اساس تقلید و گرت‌برداری از نمونه حماسه کهن ملی یعنی شاهنامه سروده شده است. این گونه حماسه‌ها پس از طی دوره حماسه ملی طبیعی پدید می‌آیند.

۱/۱- علی‌نامه، تاریخ یا اسطوره

روایت‌های اصلی اسلامی یا تاریخ‌های مکتوب صدر اسلام واجد حقایق بنیادین هستند و در مقوله اسطوره جای نمی‌گیرند، چرا که اسطوره گاه در قالب داستان خیالی است در حالی که این روایت‌ها منعکس‌کننده حقیقت هستند. تاریخ نسبت به اسطوره بیشتر به مقوله علم تعلق دارد، اما از سوی دیگر نگرش پیروان یک مذهب و اعمال آیینی آن‌ها نسبت به شخصیت‌های

دینی و وقایع مرتبط با آن‌ها با گذشت زمان رنگ اسطوره‌ای می‌گیرد چنان که با برخی از ویژگی‌های اسطوره مطابقت پیدا می‌کند، مثلاً این تعریف از اسطوره که «... روایتی است که به کلام در می‌آید اما به طرق دیگر مثل درام و هنر نیز بیان می‌شود» یا این که: «بافت بیرونی اسطوره معمولاً آیینی است که زمان و حوادث اسطوره‌ای را در اینجا و هم اکنون تکرار می‌کنند» (هایلن، ۱۳۸۸: ۱۰) با نگرش پیروان ادیان در باب شخصیت‌های دینی بیشتر مطابقت دارد.

از حیث مضمون، حماسه مذهبی را در بین حماسه‌های اسطوره‌ای و تاریخی جای داده‌اند، یعنی حماسه دینی شکل منظوم رویداد تاریخی با اشخاص مشخص است، اما اعمالی که به قهرمان حماسه نسبت داده می‌شود از واقعیت تاریخی فاصله می‌گیرد. چنین است که چهره‌ها در حماسه‌های دینی مشخصاتی دارند که: «... دستی بر آسمان اسطوره افشاندند لیک هنوز پای در زمین تاریخ در می‌افشند. از آنجاست که قهرمانان این حماسه‌ها با آنکه چهره‌هایی آشنا و تاریخی‌اند ویژگی‌هایی دارند و به کردارهایی دست می‌یازند که تنها زیبنده پهلوانان حماسه‌های باستانی است ...» (کزازی، ۱۳۸۸: ص ۱۹۴). تعیین مرز دقیق حماسه و تاریخ با دشواری مواجه است. ارسطو یکی از شرط‌های روایت حماسه را جدایی آن از تاریخ می‌داند «... تألیف اجزا و عناصر هم مانند تاریخ‌های معمولی نباید باشد. در تاریخ مراعات وحدت فعل نمی‌شود، بلکه فقط به زمان واحد نظر دارد؛ تمام حوادثی که در طول این زمان برای یک نفر یا یک عده روی داده است هر چند این حوادث به یکدیگر جز به طور تصادف ارتباطی نداشته باشند، در آن می‌آید ...» (زرین کوب، ۱۳۶۹: ص ۱۵۷).

منظومه علی‌نامه از این دیدگاه همانند شاهنامه مرکب از تاریخ و قصه است. خود سراینده نیز بر منظومه‌ی خود نام قصه نهاده است. این اثر اگر چه بر اساس تاریخ شکل گرفته، اما از عناصر قصه و حماسه بهره‌مند شده است. این رویکردی است که در چند دهه اخیر در بررسی شاهنامه نیز به کار گرفته شده است. قبل از آن از شاهنامه به عنوان یک اثر تاریخی نام می‌بردند و بدان استناد تاریخی می‌کردند: «... نامه باستان که شاهنامه یک تقریر شاعرانه آن است نزد خود وی و نزد نویسندگان یک مأخذ وی - شاهنامه ابومنصوری - تاریخ بوده است نه قصه و حماسه ...» (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۵۶). اگر در شاهنامه داستان‌هایی فراتاریخی مثل اکوان دیو و نظیر آن وجود دارد، از نظر شاعر متضمن رمز بوده است. داوری درست‌تر همان است که علی‌نامه را نیز همانند شاهنامه: «امتزاج خیال و واقع» (رک: زرین کوب، ۱۳۸۳: ص ۱۳) بدانیم.

۲- علی‌نامه از تاریخ تا حماسه

علی‌نامه از منظومه‌هایی است که تاریخ تا حماسه مراحل را پشت سر گذاشته است. اسطوره‌شناسان گفته‌اند: «افسانه، نخستین نه، بلکه آخرین مرحله از تحول و دگرگونی شخصیت یک پهلوان است» (الیاده، ۱۳۸۴: ۵۸). به عبارت دیگر یک حقیقت تاریخی ممکن است به دلایلی بعدها رنگ حماسه بگیرد یا در یک قالب حماسی مجال بیان پیدا کند. منظومه‌ی علی‌نامه در طی این مراحل، بسیاری از ویژگی‌های حماسه ملی را پذیرفته است و از زبان حماسه ملی و ویژگی‌های خاص آن استفاده کرده است. اگر فردوسی چنین سروده است:

جهان آفرین تا جهان آفرید

سواری چو رستم نیامد پدید

(فردوسی، ۱۳۸۶: دفتر دوم/ص ۱۲۶/بیت ۱۰۹)

سراینده علی‌نامه با همان الگو می‌گوید:

جهان آفرین تا جهان آفرید

چو حیدر سواری دگر ناورید

(ربیع، ۱۳۸۸: ص ۲۵۹، س ۶)

۲/۱- منابع علی‌نامه

علی‌نامه بر پایه منابع شیعی سروده شده است. شیعه سه منبع را در نقل وقایع معتبر می‌شمارد:

الف) مرویات یا منقولات ابی مخنف

ب) وقعه صفین از نصر بن مزاحم منقری (وفات ۲۱۲)

ج) الفتوح از ابن اعثم کوفی.

علی‌نامه عمدتاً بر پایه مرویات ابی مخنف سروده شده است که تا سقوط دولت اموی زنده بوده و حوادث را تا سال ۱۳۲ (هجری) ضبط کرده و در سال ۱۵۷ وفات یافته است. ابومخنف از مورخان بزرگ شیعه امامیه است: «وی مخصوصاً در جمع و ضبط اخبار راجع به شیعه و خوارج اهتمام نموده است، چنان که در باب واقعه جمل و جنگ صفین و وقعه نهروان و هم‌چنین در باب مقاتل عثمان و علی و مقتل حسین تألیف داشته است» (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۲۲).

مورخان از اثری به نام «کتاب الجمل» از ابومخنف نام برده‌اند، اما امروزه این کتاب در دست نیست. برای جبران فقدان آثار ابومخنف، منقولات و مرویات او را از دیگر منابع استخراج و در کتاب‌هایی جداگانه تدوین کرده و تحت عنوان «نصوص من تاریخ ابی مخنف» و «مرویات ابومخنف» منتشر نموده‌اند.

همان‌طور که در حماسه ملی از منابع یاد می‌شود و سخن از دفتر دهقان در گفتار شاعر می‌آید، سراینده علی‌نامه نیز مکرر از مرویات ابومخنف و اثر او به عنوان منبع اصلی منظومه خود نام می‌برد و گاهی نیز با کنیه‌ی بوالمنابر از او یاد می‌کند:

چنان کآورد بو المنابر خبر

درین حال بو مخنف نامور

(ربیع، ۱۳۸۸: ص ۱۲۶/بیت ۱۱)

ترتیب داستان در علی‌نامه با شاهنامه متفاوت است. سراینده، دو جنگ جمل و صفین را در دوازده مجلس جداگانه سروده است. این تقسیم‌بندی شبیه به تقسیم‌بندی مجالس تعزیه است و ارتباط این اثر را با امکان ارائه شفاهی مجالس نیز نشان می‌دهد.

۳- ویژگی‌های مشترک دو نوع حماسه:

برای نوع حماسه ویژگی‌های ساختاری زیادی برشمرده‌اند (رک: صفا ۱۳۶۳: ۲۵۵-۲۲۹، شمیسا، ۱۳۷۴: ۷۱-۵۹). تعداد قابل توجهی از این ویژگی‌ها بین دو نوع حماسه ملی و دینی مشترک است، هر چند نقش‌ها و نوع شخصیت‌ها تفاوت دارد که در جای خود بحث خواهد شد. برخی از ویژگی‌های مشترک عبارتند از:

۱- تکرار و تقلید ۲- وصف ۳- جنگاوری و بهادری و لشکرکشی ۴- مافوق طبیعی بودن قهرمان حماسه و خوارق عادات ۵- انتقام ۶- وجود ضد قهرمان ۷- جادوی و جادوان ۸- نقش نیروهای فراواقعی ۹- سفرهای مخاطره آمیز ۱۰- ارزش معنوی و مذهبی اعمال ۱۱- نبردهای تن به تن ۱۲- به کارگیری انواع سلاح ۱۳- پیشگویی.

ویژگی‌های علی‌نامه در قیاس با شاهنامه

علاوه بر ویژگی‌های مشترک دو نوع حماسه، می‌توانیم ویژگی‌های ساختاری خاص علی‌نامه را در قیاس با ساخت شاهنامه به تقریب تعیین کنیم. در اینجا به برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

۱/۴- بی‌طرفی شاعر

یکی از ویژگی‌های عمومی حماسه را بی‌طرفی یا دخالت اندک شاعر در روایت دانسته‌اند، ارسطو بر پایه‌ی حماسه‌ی یونانی بر آن است که شاعر حماسه نباید زیاد در روایت دخالت کند و فقط نقش اداره‌ی جلسه را به عهده بگیرد: «... در حقیقت شاعر از پیش خود باید خیلی کم سخن بگوید، زیرا اگر جز این باشد شاعر دیگر تقلیدی به جا نیاورده است» (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۶۰). در شاهنامه بی‌طرفی شاعر بیش از علی‌نامه رعایت شده است. صفحه‌ای از علی‌نامه نیست که شاعر لحن خود را وارد روایت نکرده باشد. این لحن تند که گاه با دشنام و سب دشمن همراه می‌شود البته ریشه‌های تاریخی و مذهبی نیز دارد، منابع تاریخی دو قرن ۵ و ۶ را واجد بیشترین برخوردهای مذهبی پیروان مذاهب دانسته‌اند، بنابراین بازتاب آن در متون ادبی نظیر علی‌نامه و حتی متون غیر حماسی از قبیل آثار ناصر خسرو گریز ناپذیر است. دو بیت زیر نمونه‌هایی از این لحن را در علی‌نامه بازگو می‌کند:

یزید لعین کان بسید از پدر

کلا (کلاه) پس‌همی زد ابر چشم‌وسر

چو هوش آمد آن لعنتی گفت آه

که روشن جهان شد بمابرسپاه

(ربیع، ۱۳۸۸: ص ۲۵۲ / بیت‌های ۱۲-۱۱)

۲/۴- زمان و مکان

ویژگی دیگر حماسه را عدم توجه به زمان و مکان دانسته‌اند. این ویژگی در برخی از داستان‌های شاهنامه مصداق دارد، اما در حماسه دینی کم‌رنگ بوده و از این حیث به تاریخ نزدیک‌تر است.

۳/۴- حقیقت‌گویی

حقیقت‌گویی را علاوه بر بی‌طرفی یک ویژگی شعر حماسی دانسته‌اند. (رک: خالقی، ۱۳۸۶: ص ۲۹). فردوسی در پذیرش و باور داستان‌ها، خرد را میزان قرار می‌دهد و آنجا که خرد به کار نیاید، تأویل را گره گشا برمی‌شمرد:

تو این را دروغ و فسانه مدان

به یکسان روشن زمانه مدان

ازو هر چه اندر خورد با خرد

دگر بر ره رمز معنی برد

(فردوسی، ۱۳۸۷: دفتر یکم، ۱۲، بیت‌های ۱۴-۱۱۳)

اما در منظومه علی‌نامه بارها بر حقیقت‌گویی تأکید شده است، یعنی شاعر بر آن است که خوارق عادات این منظومه به اندازه وقایع تاریخی آن واجد حقیقت است. این اختلاف دیدگاه ما را به یک ویژگی خاص حماسه مذهبی نزدیک می‌کند. حماسه مذهبی در نظر شاعر و پیروان مذهب بین رویداد تاریخی و فراتاریخی فرقی نمی‌نهد. از این دیدگاه است که ربیع اثر خود را متضمن حقیقت و شاهنامه را نظم دروغ شمرده است:

اگر چند شه‌نامه نغز و خوش است

ز مغز دروغ است از آن دلکش است

(ربیع، ۱۳۸۷: ص ۵/بیت ۱۸)

من اندر علی‌نامه از روی لاف

نخواهم که گویم سخن بر گزاف

نگویم سخن جز که بر راستی

بحاسد سپردم ره کاستی

(همان، ص ۶/بیت‌های ۲-۳)

به شه‌نامه خواندن مزین لاف تو

نظر کن در آثار اشراف تو

تو از رستم و طوس چندین مگوی

در این گوی بی‌هوده گویان می‌پوی

(ربیع، ۱۳۸۷: ص ۱۶۱/بیت‌های ۱۹-۱۸)

که مغ‌نامه خواندن نباشد هنر

علی‌نامه خواندن بود فخر فر

ره په‌لوانان مکن آرزوی

بپرهیز از راه بی‌دین روی

(همان، ص ۱۶۲/بیت‌های ۲-۱)

۴/۴- انگیزه‌های نبرد

نبرد در حماسه ملی برای نام و ننگ است، اما در حماسه مذهبی هدف اصلی رضایت خداوند است و جنگ نوعی اطاعت از دستور پروردگار و کسب رضایت امام است. نام نیک هم یک هدف

فرعی است. طرم‌اح رسولی است که پیام امام را برای پسر سفیان می‌برد، وی در توجیه اعمال خود می‌گوید:

چو کشته شوم بر شهادت شوم

به هر دو جهان بی ملامت شوم

مرا زین سپاه و سیاست چه باک

چو مان نام نیک است و ایمان پاک

(همان، ص ۱۵۶/بیت های ۲-۳)

در جبهه مقابل هم همین انگیزه مطرح هست، عمرو، خطاب به ابوسفیان می‌گوید:

جوابش به در خورد کو بی درنگ

بجای آر هوش از پی نام و ننگ

(همان: ص ۱۵۷/بیت ۱)

از انگیزه‌های دیگر نبرد در شاهنامه انتقام است، در علی‌نامه نیز یکی از علت‌های نبرد انتقام است. سراینده بارها از زبان سپاه پسر سفیان انگیزه جنگ و به خصوص جنگ جمل را خون‌خواهی عثمان ذکر می‌کند:

کنون کرد خواهم من این خون طلب

ز حیدر وز آن ناکسان عرب

(همان، ۱۷)

اما موضوع شهادت و رسیدن به سعادت اخروی در حماسه مذهبی مطرح است که در حماسه ملی جایی ندارد.

۵/۴- دیو/ابلیس

دیو در شاهنامه پوشش سیاه دارد و اعمال او مایه شرّ و فساد است. در علی‌نامه نیز ظاهر و باطن ابلیس همین گونه است. جامه ابلیس از سیم سیاه است، کلاه پشمین سیاه بر سر و عصایی به دست و پشت خمیده‌ای دارد (رک:ربیع، ۱۳۸۷: ۲۳۷-۲۳۴). هم‌چنین در شاهنامه جامه افراسیاب سیاه است. در علی‌نامه نیز رأیتِ سپاه جمل و سپاه ابوسفیان سیاه توصیف شده است:

سیه رأیتی در قفای لعین

علم کش همی برد از کبر و کین

(همان، ص ۳۰۶/بیت ۱۸)

۶/۴- اهدای لباس و ابزار

در شاهنامه گاه شاه یا پهلوان لباس و جامه خود را به پهلوان دیگر هدیه می‌کند یا این که جنگجو لباس یک پهلوان دیگر را می‌پوشد. مثلاً زره سیاوش به گیو می‌رسد و کی خسرو جامه‌های خود را به رستم می‌بخشد. در علی‌نامه نیز این رسم هست و امام بارها جامه رسول (ص) را می‌پوشد و شمشیر ایشان را به دست می‌گیرد:

بسپوشید به تن جامه مصطفی

کی با سوی مسجد شود مرتضا

(ص ۱۲)

قضیب پیامبر گرفت او به دست

پس آن دلدل مصطفی بر نشست

(همانجا)

۷/۴- تعداد سپاهیان

همانند شاهنامه تعداد سپاه معمولاً دوازده هزار است:

همی رفت در گرد هودج سوار

در آن حال جنگی ده و دو هزار

(همان، ص ۴۲/بیت ۳)

۸/۴- تقدیر گرایبی

اشارات متعدد شاهنامه به نقش تقدیر در وقایع را یک ویژگی حماسه دانسته‌اند: «تقدیر از یک سو از تمامیت دنیای حماسی که آدمی جزئی از آن است برمی‌آید و از سویی از باورها و اندیشه‌های خود آدمی مایه می‌گیرد ... آنچه در حماسه حکومت می‌کند تقدیر است. تقدیر آنچه را اتفاق می‌افتد معین می‌کند» (مختاری، ۱۳۶۸: ۸۲). برخی دیگر آن را میراث زروانی عهد ساسانی یافته‌اند که در شاهنامه نمود یافته است و عقیده خود شاعر نیست. نتیجه این امر «غلبه بنیادی نوعی گرایش جبری را که در تصریح دایم و مکرر شاعر به بخت و سرنوشت قضا هست بر فکر تفویض که از لوازم گرایش معتزلی در اعتقاد احتمالی شخصی شاعر هست، نشان می‌دهد» (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

اما کسانی هم به اختیار در شاهنامه قائل شده و نوشته‌اند: «تقدیر در یک نگاه کلی چیزی جز پژواک کردارهای آدمیان به نظر نمی‌آید» (حمیدیان، ۱۳۸۷: ۱۰۸). هم‌چنین دیگران نقش شاعر را در تلفیق دو دیدگاه قبل و بعد از اسلام با اهمیت یافته و فردوسی را در این باب نیز بی‌طرف دانسته‌اند «فردوسی به جای ترکیب عناصر اسلامی و زردشتی دو آموزه را در کنار یکدیگر گذاشته بی آنکه بکوشد آن‌ها را با یکدیگر آشتی دهد» (رینگرن، ۱۳۸۸: ۱۵۲، ۵). در بیت‌های زیر این تلفیق دیده می‌شود:

سیاوش به پیران نگه کرد و گفت

که فرمان یزدان نشاید نهفت

اگر آسمانی چنین است رای

مرا با سپهر از بنه نیست پای

(فردوسی، ۱۳۸۶: دفتر ۲، دوم / بیت‌های ۵۲-۱۴۵۱)

چنین داد پاسخ که از بخت بد

سزد زین نشان هرچ بر ما رسد

سخن‌ها درازست و کاری درشت

به یزدان کنون باز هشتیم پشت

براند اسپ و گفت آنچه از خوب و زشت

جهاندار بر تارک ما نبشت

بباشد نگرود به اندیشه باز

مبادا که آید به دشمن نیاز

(همان، دفتر هشتم / بیت‌های ۶۴۲-۶۳۹)

سراینده علی‌نامه هر چند عقیده خود را در این باب به صراحت بیان نکرده، اما از این حیث نیز تحت تأثیر شاهنامه است:

کنون بودنی بود این غم چه سود

چو شیر قضا مان به دندان بسود

(ربیع، ۱۳۸۸: ص ۴۷۴/بیت ۵)

که تا بر چه گردد سپهر بلند

که را بخت افرون رساند به بند

چه بازی کنند گردش روزگار

کرا بخت بد باشد آموزگار

(همان، ص ۱۸۳/بیت‌های ۳-۴)

۹/۴- پیش‌بینی / پیش‌گویی / کرامت

پیش‌گویی رویدادها در جای جای شاهنامه به چشم می‌خورد. نمونه آن در داستان رستم و اسفندیار و داستان اسکندر است. این وظیفه را ستاره‌شماران و موبدان و زیج به دستان به عهده دارند یا این که یک سروش به پادشاه دارای فره ندا می‌دهد و یا این که طی یک رؤیا حوادث آینده به پادشاه و پهلوان گفته می‌شود. پیش‌گویی در اساطیر سایر ملل نیز دیده می‌شود. در اساطیر یونانی «ژئوس به تیرزیاس این قدرت را داده بود که آینده را پیش‌گویی کند» (رستگار فسایی، ۱۳۸۸: ۱۰۱). جام جهان‌نما نیز رویه دیگری از طرح آرزوی آدمی در دانستن احوال آینده است که در حماسه نیز منعکس شده است. این ویژگی در علی‌نامه نیز دیده می‌شود و از جهتی اهمیت بیشتری دارد، چون در علی‌نامه نوع اخبار و مخبر متفاوت است. شخص پیش‌بینی کننده در اینجا شخصیت اصلی روایت، یعنی امام است که گاه ایشان خودشان حوادث آینده را پیش‌گویی می‌کنند یا خبر را به نبی (ص) استناد می‌دهند. این موضوع را می‌توان یک ویژگی خاص حماسه دینی تلقی کرد:

که با ما همه بودنی در به در

بگفتی تو ای آفتاب بشر

(ربیع، ۱۳۸۸: ۴۶۲/بیت ۱۲)

در فرهنگ اسلامی این نقش را اصطلاحاً «کرامت» نام نهاده‌اند تا با معجزه - که خاص نبی است - ملابستی نداشته باشد. نحوه بروز این گونه کرامت‌ها یا در قالب بیان است، یعنی پیش‌بینی حوادث آینده در یک جمله یا در قالب یک عمل که گاه به دست شخص امام و گاه به فرمان او صورت می‌گیرد. در حقیقت بخشی از عنصر لحن - که سراینده به داستان می‌دهد - در نقل این گونه قصه‌های کرامتی شکل می‌گیرد. اخبار پیامبر به امام و دیگر اصحاب قبل از وقوع حوادث بارها در علی‌نامه تکرار می‌شود. نمونه آن در گفتگوی امام با اصحاب جمل است، ایشان زبیر را فرا می‌خواند و سخنان نبی را در باب مقابله با علی از سوی او و طلحه به یادش می‌آورد. هم‌چنین در یک خطبه امام رویدادهای آینده را بیان می‌کند:

شود ترک بر بربری سخت چیر

شود کار رومی ز بالا به زیر

یکی سید آید از آن پس برون

ابا لشکری ز آب و آتش فزون

کشد بیش سیصد هزار از شما

خداوند شمشیر اندر و غا

سپه دار مصر آید آنگاه پس

ابا لشکری همچو مور و مگس

بر اهل خراسان بود باز ویل

که از آسمانشان فرستند سیل

(ربیع، ۱۱۶-۱۱۵)

به همین ترتیب امام حوادثی را که در شهرهای مختلف ایران و عراق رخ خواهد داد، بیان می‌کنند (همان، صص ۱۱۷-۱۱۵).

۱۰/۴- دمیدن دعا

در شاهنامه شخصیت‌های داستان یکدیگر را به لفظ دعا می‌کنند، اما این که در قالب یک آیین خاص دعا را بر کسی بدمند، دیده نشده. این عمل که می‌تواند برخاسته از فرهنگ خاص مذهبی باشد، یک ویژگی خاص حماسه مذهبی به شمار می‌آید:

بخواند آن زمان یک دعا بو الحسن

دمید آن زمان او بر آن انجمن

(ربیع، ۱۳۸۸: صص ۴۶۳/بیت ۱۵)

۱۱/۴- تحقیر نژاد

جنگ لفظی بین پهلوانان حماسه قبل از مرحله نبرد تن به تن است و طی آن به تحقیر نژاد یکدیگر می‌پردازند. نمونه آن مشاجره رستم و اسفندیار است. نظیر این الگو در علی‌نامه نیز دیده می‌شود:

ترا هند بن زانیه مست در

ز سفیان حربی بدان زشت در

سر چاه میرز به حیض اندرون

گرفت باز و کردی فرامش کنون

(همان، صص ۱۴۸/بیت های ۳-۲)

۱۲/۴- تفأل

نمونه فال بد در شاهنامه امتناع شتر از حرکت در داستان رستم و اسفندیار است که اسفندیار دستور می‌دهد شتر را پی کنند. در منظومه علی‌نامه این نقش به جای شتر به درخت داده شده که طی آن به دستور ابوسفیان درخت را می‌سوزانند:

سر رایست آن لعین در زمان

ز شاخی درآویخت پس ناگهان

بدرید لختی از آن رایستش

برو نحس شد طالع و ساعتش

دژم گشت فرزند بوسفیان و گفت

چنین حال بر دل نباید نهفت

سپه را بدانجا فرود آورید

ز کین آن درخت از بنه بر کشید

بفرمود شاخ و پی‌اش سوختن

علسم را بفرمود پس دوختن

(همان، ص ۳۰۷، بیت های ۷-۳)

۱۳/۴- زمان و مکان

در علی‌نامه زمان و مکان رویدادها نسبت به شاهنامه روشن‌تر است. اگر در قسمت‌هایی از شاهنامه زمان و مکان معین نیست- چنان که در قسمت‌های اساطیری حماسه‌آهنگی هم ندارد - در علی‌نامه این موضوع روشن‌تر است و این اثر دو جنگ تاریخی را با زمان و مکان معین به نظم کشیده است. اما نکته مهم این که هر چه به دوره متأخر نزدیک‌تر می‌شویم، این خصوصیت در حماسه‌ی دینی نیز کم رنگ می‌شود، مثلاً در حماسه‌ی دینی حمله‌ی حیدری مرز زمان و مکان به هم می‌ریزد و در عوض اغراق و مبالغه بیشتر می‌شود.

۱۴/۴- پیکر گردانی

در شاهنامه تغییر پیکر یک حیوان به حیوان دیگر یا حیوان به انسان و بالعکس دیده می‌شود، این بن‌مایه اساطیری را پیکر گردانی نامیده‌اند (رک: رستگار فسایی، ۱۳۸۹:

مقدمه). نمونه‌ی آن تغییر پیکر اکوان دیو به گوراست. در منظومه‌ی علی‌نامه نیز این پیکرگردانی دیده می‌شود. تغییر پیکر شیر به انسان در داستان فرعی شبانی به نام سراقه، از این نمونه است (رک، ربیع، ۱۳۸۸: ۲۳۸). پیکر گردانی ابلیس به انسان در بیت‌های زیر دیده می‌شود:

درین بود مروان که پیری نوان

به مسجد درون شد هم اندر زمان

همه جامه وی ز سیم سیاه

ز پیشمین سیه بر سر او کلاه

گرفته عصایی به دست اندرون

دو تا کرده بد پشت را چون هیون

(ربیع، ۱۳۸۸: ص ۱۳۰ بیت‌های ۱۷-۱۵)

نکو دان که آن پیر ابلیس بود

همه گفتنش مکر و تلبیس بود

(همان، ص ۱۳۱ بیت ۱۴)

غیر از این موارد که بر شمرده شد علی‌نامه در زبان و فرم سخن بسیار تحت تأثیر شاهنامه است و سراینده، بسیاری از مصرع‌ها و بیت‌های شاهنامه را عیناً یا با اندک تغییر در سخن خود درج کرده است. مصرع‌هایی مانند: من ایدون شنیدستم از بخردان (۱۵)، به فرجام از آن کرده کیفر برد (۳۴) کنم مرورا زنده بر دار بر (۲۵۵) و بیت‌هایی مانند:

جهان شد سراسر چو دریای قیر

نه بهرام پیدا نه ناهید و تیر

(ص ۵۳۶)

هم‌چنین فرارسیدن شب و روز مانند شاهنامه توصیف می‌شود:

همی بود تا روز شد در حجاب

هوا شد به مانند پرّ غراب

(ص ۱۷)

شکفت از فلک شمع گون شمّلید

چو شب رایت قیرگون برکشید

(۱۸)

چو زنگی شب از چاه بر کرد سر

به دریا درون رفت زرین سپر

(ص ۲۶۳)

نتیجه

- ۱- علی‌نامه بسیاری از ویژگی‌های حماسه ملی را پذیرفته است، اما بسته به فضای حماسه مذهبی برخی از الگوهای آن را تغییر داده است.
- ۲- ویژگی‌های خاص حماسه ملی مانند تقدیر، تفاعل، پیش‌گویی وقایع، پیکر گردانی، زمان و مکان، دعا، انگیزه‌های نبرد، انتقال و اهدای اموال و بی‌طرفی شاعر، در علی‌نامه نیز دیده می‌شود، اما در برخی از آن‌ها تغییراتی ایجاد شده است تا با فضای حماسه مذهبی تناسب پیدا کند.
- ۳- شاعر حماسه مذهبی به نظم خود، نام قصه می‌نهد و آن را به تمامی واجد حقیقت می‌شمارد، اما شاعر حماسه ملی برخی از داستان‌های اثر خود را قابل تأویل می‌داند.
- ۴- سراینده به فردوسی احترام می‌گذارد، اما نسبت به شاهنامه تعریض‌ها دارد.
- ۵- علی‌نامه یکی از نتایج فعالیت‌های فرهنگی شیعه است که بر اساس منابع تاریخی مورخان شیعی و با عنایت به یکی از اصول مذهب شیعه یعنی اصل امامت و ترکیب آن با باورهای شیعه، تدوین شده است.
- ۶- توفیق شاهنامه و نفوذ آن در میان طبقات مختلف فارسی زبان یکی از عواملی است که سراینده را به تقلید الگوی حماسه ملی و نظم حماسه مذهبی سوق داده است.

پی‌نوشت

۱- textual criticism

منابع و مأخذ

- ابی مخنف، لوط بن یحیی. (۱۴۱۹). *نصوص من تاریخ ابی مخنف*. استخراج و تنسیق و تحقیق: کامل سلمان الجبوری، الجزء الاول. الطبعة الاولى. بیروت: دار المحججه البيضاء، دار الرسول الاکرم.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم. (۱۳۷۷). *اسطوره، بیان نمادین*. چاپ دوم. تهران: انتشارات سروش.

- اشپولر، برتولد. (۱۳۷۹). *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*. مترجمان: جواد فلاطوری، مریم میر احمدی. جلد اول. چاپ چهارم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- الشیبی، کامل. (۱۳۵۹). *تشیع و تصوف*. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو. چاپ اول. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- الیاده، میرچا. (۱۳۸۴). *اسطوره بازگشت جاودانه*. ترجمه بهمن سرکاراتی. چاپ دوم. تهران: انتشارات طهوری.
- حمیدیان، سعید. (۱۳۸۷). *درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی*. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناهید.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۶). *حماسه (پدیده شناسی تطبیقی شعر پهلوانی)*. چاپ اول. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- دقیقی طوسی. (۱۳۸۳). *دیوان دقیقی*. به تصحیح محمد جواد شریعت. چاپ دوم. تهران: انتشارات اساطیر.
- ربیع (۱۳۸۸) *علی‌نامه*. مقدمه از محمد رضا شفیعی کدکنی. محمود امید سالار. چاپ اول. تهران: میراث مکتوب. با همکاری کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی. کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران. مؤسسه مطالعات اسماعیلی.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۸). *پیکرگردانی در اساطیر*. چاپ دوم. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رینگرن، هلمر. (۱۳۸۸). *تقدیر باوری در منظومه‌های حماسی فارسی (شاهنامه و ویس و رامین)*. ترجمه ابوالفضل خطیبی. چاپ اول. تهران: انتشارات هرمس.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۳). *نامه نامور*. چاپ دوم. تهران: انتشارات سخن.
- _____ . (۱۳۶۹). *ارسطو و فن شعر*. چاپ دوم تهران: انتشارات امیرکبیر.
- _____ . (۱۳۶۲). *تاریخ ایران بعد از اسلام*. چاپ سوم. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). *انواع ادبی*. چاپ سوم. تهران: انتشارات فردوسی.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۳). *حماسه سرایی در ایران*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- _____ . (۱۳۷۵). *تاریخ ادبیات در ایران*. جلد دوم. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات فردوسی.

- طغیانی، اسحاق و همکاران. (۱۳۸۵). *توصیف و تصویرگری در منظومه حماسی علی نامه*. ادب و زبان (نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی کرمان). زمستان ۸۵. شماره ۲۰ (پیاپی ۱۷).
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). *شاهنامه*. به تصحیح جلال خالقی مطلق. چاپ اول. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- قزوینی رازی، عبد الجلیل. (۱۳۵۸). *نقض (بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض)*. به تصحیح جلال الدین محدث ارموی. چاپ دوم. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کوفی، ابن اعثم. (۱۳۸۶). *الفتوح*. مترجم: محمد بن احمد مستوفی هروی. مصحح: غلامرضا طباطبایی مجد. چاپ چهارم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- متر، آدام. (۱۳۶۴). *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو. جلد اول. چاپ دوم. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- مختاری، محمد. (۱۳۶۸). *حماسه در رمز و راز ملی*. چاپ اول. تهران: نشر قطره.
- مسکوب، شاهرخ. (۱۳۵۴). *سوغ سیاوش*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات خوارزمی.
- معارف، مجید. (۱۳۸۷). *نظام‌های فرهنگی. اجتماعی و سیاسی شیعه در آستانه غیبت تا پایان قرن پنجم*. فصلنامه‌ی شیعه‌شناسی. سال ششم. شماره ۲۴.
- منقری، نصر بن مزاحم. (۱۳۸۲ه.ق). *تحقیق و شرح*. عبدالسلام محمد هارون. الطبعة الثانية. قم: منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- یاحقی، محمد جعفر. (۱۳۸۸). *از یاز تا دروازه رزان*. چاپ اول. تهران: انتشارات سخن.